



Identification and accreditation of effective components in designing the model of professional qualifications of student teachers (case study: Farhangian University of Bushehr)

Masoumeh Ahmadipour, Seyed Ahmad Hashemi✉, Mokhtar Ranjbar, Mohammad Behroozi

Abstract

Background and Aim: the role of professional competence in changing the educational system is very decisive and irreplaceable; achieving education system's goal is impossible without teachers with professional capabilities and competencies. So that the role of professional competence is reflected and manifested in the teacher's performance; therefore, this research aimed to design the model of professional qualifications of student teachers of Farhangian University of Bushehr province. **Method:** In this research, the most important components of the students-teachers' professional competence were extracted and suggested using the qualitative method. The statistical population is interviews with 25 Farhangian University professors of Bushehr province. The data collection tool was semi-structured interviews, and the data of this section were coded in three stages: open, central and selective. In this research, the comparative content analysis method with the help of Maxqda12 software is used to analyze the data. **Results:** Based on the final results of the model of student-teacher professional qualifications, including six main categories: the concepts of professional qualification, components of professional qualification, factors to strengthen professional qualification, the necessity of acquiring professional qualification, characteristics of student-teachers. It is in the implementation of the goals and the role of professional competence in changing the educational system. **Conclusion:** The role of professional competence in changing the educational system is decisive and irreplaceable. Therefore, acquiring professional competence can significantly improve the the educational system performance.

Received: 24.12.2020

Revision: 30.04.2021

Acceptance: 02.06.2021

Keywords:

Model of professional qualifications, student teachers, Farhangian University

How to cite this article:

Ahmadipour, M., Hashemi, S.A., Ranjbar, M., & Behrozi, M. Identification and accreditation of effective components in designing the model of professional qualifications of student teachers (case study: Farhangian University of Bushehr). *Jayps*, 2021, 2(1): 417-328

Article type

Original research

1. Masoumeh Ahmadipour, PhD student, Department of Curriculum Planning, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran. **2. Seyed Ahmad Hashemi**, Associate Professor of Department of Curriculum Planning, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran. **3. Mokhtar Ranjbar**, Assistant Professor Department of Management, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran. **4. Mohammad Behroozi**, Assistant Professor, Department of Management, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

✉ Correspondence related to this article should be addressed to **Seyed Ahmad Hashemi**, Associate Professor of Department of Curriculum Planning, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran

Email: hashemi@iaulamerd.ac.ir

شناسایی و اعتباربخشی مؤلفه‌های مؤثر در طراحی مدل صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو معلمان (مطالعه موردی: دانشگاه فرهنگیان بوشهر)

معصومه احمدی‌پور، سیداحمد هاشمی[✉]، مختار رنجبر، محمد بهروزی

چکیده	دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴
<p>زمینه و هدف: یکی از مهم‌ترین و جدیدترین دیدگاه‌های مربوط به یادگیری و نحوه شکل‌گیری دانش، ساختارگرایی اجتماعی است. هم‌ساخت دهی سازوکار اصلی ساختن دانش در رویکردهای ساختارگرایی اجتماعی است. این رویکردها نقش مهمی در تحولات آموزشی و روان‌شناختی داشته و منشأ پیدایش روش‌های آموزشی و یادگیری همچون یادگیری مشارکتی شده است. هدف این پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر فرهنگ یادگیری مبتنی بر سازنده‌گرایی اجتماعی در مدارس شهر بوشهر بود. روش پژوهش: در این پژوهش، از روش تحقیق کیفی از نوع داده بنیاد استفاده شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با تکنیک شبکه متخصصان انجام شد که ۱۶ نفر در مصاحبه شرکت کردند. ابزار مورد استفاده مصاحبه‌ی نیمه ساختارمند بود. برای بررسی روایی مصاحبه‌ها، از روش روایی محتوایی و روایی صوری توسط ۱۲ نفر از متخصصین استفاده شد؛ تحلیل داده‌ها بر اساس کدگذاری باز، محوری و انتخابی بود. یافته‌ها: نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مقوله‌های عوامل فردی، عوامل سازمانی و عوامل آموزشی به‌عنوان شرایط علی؛ مقوله‌های عوامل محیط غنی با نشاط و پویا و حمایت به‌عنوان شرایط زمینه‌ای؛ مقوله‌های هماهنگی و انسجام در فرایند آموزشی؛ عاملیت و استقلال افراد به‌عنوان شرایط مداخله‌گر؛ مقوله‌های چگونگی طراحی مناسب برنامه‌های آموزشی، کیفی‌گرایی و دوری از چهارچوب‌های رسمی غیر قابل انعطاف آموزشی و بهبود فعالیت‌های گروهی و ارتقای مشارکت دانش‌آموزان در برنامه‌های آموزشی به‌عنوان راهبردها؛ و مقوله‌های اثربخشی آموزشی، تربیت شهروند فرهیخته و تسهیل انطباق‌پذیری با محیط و دنیای واقعی به‌عنوان پیامدهای فرهنگ یادگیری مبتنی بر سازنده‌گرایی اجتماعی در مدارس شناسایی شدند. نتیجه‌گیری: بر اساس مدل پارادایمی مشخص شد که مسئله فرهنگ یادگیری مبتنی بر سازنده‌گرایی اجتماعی در مدارس با پنج دسته عوامل در ارتباط است.</p>	اصلاح مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۰
	پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲
	واژه‌های کلیدی:
	مدل صلاحیت‌های حرفه‌ای، دانشجو معلمان، دانشگاه فرهنگیان
	نحوه ارجاع دهی به مقاله:
	احمدی‌پور، م.، هاشمی، س.ا.، رنجبر، م.، و بهروزی، م. (۱۴۰۰). شناسایی و اعتباربخشی مؤلفه‌های مؤثر در طراحی مدل صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو معلمان (مطالعه موردی: دانشگاه فرهنگیان بوشهر). <i>دوفصلنامه مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان</i> ، ۲(۱): ۳۲۸-۴۱۷
	نوع مقاله:
	پژوهشی اصیل

۱. معصومه احمدی‌پور، دانشجوی دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران؛ ۲. سیداحمد هاشمی، دانشیار گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران؛ ۳. مختار رنجبر، استادیار گروه مدیریت، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران؛ ۴. محمد بهروزی، استادیار گروه مدیریت، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

✉ مکاتبات مربوط به این مقاله باید خطاب به سیداحمد هاشمی دانشیار گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران است.

پست الکترونیکی: hashemi@iaulamerd.ac.ir

مقدمه

در طول دهه ۱۹۹۰، مدل‌های مبتنی بر صلاحیت و شایستگی رفته‌رفته جای خود را در ادبیات مدیریتی پیدا کردند. در طول زمان، رویکردهای مبتنی بر شایستگی به ابزارهای اساسی و حیاتی در کارکردهای سازمانی همچون برنامه‌ریزی نیروی انسانی، برنامه‌ریزی جانشینی و ارزیابی عملکرد تبدیل شدند؛ تا اینکه پس از طرح شایستگی مک-کللند، بویاتزیس^۱ این اصطلاح را متداول و مشهور کرد و سپس وودروف در سال ۱۹۹۱، شایستگی را ترکیبی از انگیزه، خصیصه، مهارت، خودپنداری، نقش اجتماعی و دانش دانست که این خود مجالی برای بحث و مناظره درباره شایستگی‌ها به وجود آورد (پورکریمی، فرزانه و نوروزی، ۱۳۹۵).

از آنجا که منابع انسانی به ویژه معلم، در فرایند تعلیم و تربیت رکن اصلی و عامل بنیادین محسوب می‌شود و دستیابی به اهداف نظام آموزش و پرورش، بدون وجود معلمانی برخوردار از توانمندی‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای میسر نمی‌شود. برای آنکه معلمانی حرفه‌ای در اختیار نظام تعلیم و تربیت کشور باشند، باید فرایند جذب، تربیت و به‌کارگیری منابع انسانی نظام‌مند و مبتنی بر اهداف معین و از پیش تعریف شده باشد (دیباپی صابر، عباسی، فتحی و اجارگاه و صفایی موحد، ۱۳۹۵). خلأ الگوی مناسب برای تربیت معلمان آموزش و پرورش، موجب بروز آشفتگی و سردرگمی در شیوه تربیت و تأمین منابع انسانی در دستگاه تعلیم و تربیت شده است که کاهش چشمگیر کارآمدی و اثربخشی آنان از عواقب ناگوار آن است و بیم آن می‌رود که این خلأ طی سال‌های آتی افت شدید و ناگهانی کیفیت معلمان و منابع انسانی را که اصلی‌ترین عامل در فرایند تربیت دانش‌آموزان به‌شمار می‌رود، موجب شده و به تبع آن مشکلات آموزش و پرورش را تشدید نماید. امروزه تربیت معلم از شکل سنتی خود خارج شده و به صورت فرایندی پیوسته و ماندگار که هم‌دربدارنده یاددادن و هم‌ورزیده ساختن پیش از خدمت و حین خدمت است، جلوه‌گر شده و سزاوار قوی‌ترین و بیشترین توجهات است. حاصل و نتیجه تلقی تربیت معلم به عنوان یک فرایند منتج

به این باور شده است که کیفیت هر نظام آموزشی در نهایت به کیفیت معلمان آن جامعه وابسته است (خروشی و محمدی وندیشی، ۱۳۹۵). بسیاری از پژوهشگران همچون بالاکریشنن^۲ (۲۰۰۵)، سینگلا، راستوگی و جین (۲۰۰۵) معتقدند که سیستم‌های آموزشی موجود در برآوردن نیازهای آموزشی محدودیت دارند و نیازمند بازنگری اساسی در این زمینه هستند. آن‌ها معتقدند از طریق نظام آموزشی مبتنی بر شایستگی، نیاز به بازنگری سیستم‌های آموزشی پوشش داده می‌شود. بر این اساس، پرداختن به شایستگی و صلاحیت معلمان، موضوع مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته است.

در زمینه صدور مدرک و ارزیابی صلاحیت حرفه‌ای، رویکرد منسجم و پایداری در کشورمان دیده نمی‌شود. رویکردهای پیشین ورود غیرعلمی، ناپایدار و گذرا به این امر داشته‌اند که اکنون از آن‌ها اثری نیست. البته این معضل تنها به کشور ما محدود نمی‌شود و در سطح جهانی نیز مطالعات بسیاری نشانگر این معضل هستند و وجود چنین مشکلاتی را پذیرفته‌اند (آسلتاین، فارینیارز و ریگازو-دیگیلیو، ۲۰۰۶؛ دانلیسون و مک‌گریل، ۲۰۰۰؛ ماترس و اولیوا، ۲۰۰۸؛ شینکفیلد و استافلیسم، ۲۰۱۲).

در ایران نیز، با تدوین و انتشار اسناد راهبردی نظام تعلیم و تربیت کشور در یکی دو دهه اخیر، بر تنظیم و ساماندهی چهارچوب فلسفه تربیتی مدون و بومی متناسب با جامعه اسلامی ایران به منظور تعیین ویژگی‌ها، غایات، اهداف و اصول حاکم بر این نوع تربیت و مشخص نمودن ارتباط آن با سایر عوامل سهیم و مؤثر در جریان تربیت نظیر دولت، خانواده، رسانه و نظام آموزش عالی و سازماندهی و گسترش نظام فعلی تربیت رسمی و عمومی کشور با تکیه بر الگوی نظری جامع با دو ویژگی اسلامی و ایرانی توجه شده است (خروشی و محمدی وندیشی، ۱۳۹۵).

پرفسور گیج^۳ در سال ۱۹۷۸، استاد برجسته تعلیم و تربیت، در کتاب «مبانی علمی هنر تدریس» می‌گوید: بدون تردید هیچ فرد دیگری جز معلم نمی‌تواند تأثیر بیشتری بر آنچه در مدارس می‌گذرد داشته باشد. معلم می‌تواند تعلیم

ضعیف، بی‌علاقه به تدریس، ضعف معلمان در مهارت‌های حرفه‌ای و روش‌های نوین تدریس، پایین بودن سطح علمی و حرفه‌ای در مدیریت و رهبری کلاس درس، عدم برخورداری از آموزش مداوم و نبود زمینه مناسب برای یادگیری مداوم و تبادل اطلاعات و تجربیات با همکاران، مقاومت در مقابل روش‌های نوین آموزشی ناشی از برخورداری نبودن از آموزش‌های لازم به همراه دارد. در تاریخ آموزش و پرورش ایران، معلمان پس از استخدام، به رغم تمامی کاستی‌های نظام استخدامی، روانه کلاس درس شده‌اند و کمتر صلاحیت‌های آنان از ابعاد حرفه‌ای و تخصصی و روابط انسانی سنجیده شده است و فقط آموزش‌های کوتاه‌مدت موردی بر اساس تغییر محتوای برخی کتب یا آموزش‌های درازمدت ضمن خدمت با محتوای حجیم آموزشی، فاقد کارایی و نامتناسب با نیازهای دانش آموزان به آنان ارائه شده است که با گذشت زمان دانش و آموخته‌های اولیه ناکارآمد شده، همه ساله با روش‌ها و شیوه‌های تکراری به تدریس ادامه می‌دهند (کریمی، ۱۳۸۷).

به رغم تأکید اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت، به پرورش و توسعه شایستگی‌های پایه، جهت تعمیق هویت مشترک و حرفه‌ای معلمان در ابعاد فردی، انسانی، اسلامی و ایرانی، فقدان الگوی مناسب تربیت معلم و عدم وجود چارچوب مدونی از شایستگی‌های معلمان در برنامه درسی تربیت معلم، موجب بروز آشفتگی و سردرگمی در شیوه تربیت و تأمین منابع انسانی در دستگاه تعلیم و تربیت شده است. همچنین، در قالب بیانیه‌های کلان تأکید شده است، ولی هیچ ذکری از فهرست شایستگی‌ها؛ و یا استانداردهای مربوطه‌شان و چگونگی دستیابی معلمان به آن‌ها به عمل نیامده است و این در حالی است که شایستگی را «مجموعه‌ای ترکیبی از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌های ناظر به همه جنبه‌های هویت (عقلانی، عاطفی، ارادی و عملی) که مریبان در جهت درک و عمل برای بهبود مستمر موقعیت خود (برای دستیابی به مراتب حیات طیبه) باید آن‌ها را کسب کنند» معرفی می‌نماید (خروشی و محمدی و نندی، ۱۳۹۵).

و تربیت را فرایندی توأم با لذت و کامیابی، یا فرایندی بی‌ثمر کند (دانش پژوه و فرزاد، ۱۳۸۵). همچنین، موفقیت هر نظام آموزشی، بیش از هر عاملی، به دانش و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان آن نظام بستگی دارد. از دیدگاه ژاپنی‌ها شایستگی هر نظام آموزشی به میزان شایستگی معلمان آن بستگی دارد، از این رو می‌توان گفت، معلم مهم‌ترین عضو نظام آموزشی در فرایند یاددهی-یادگیری و معمار اصلی نظام آموزشی است. از آنجایی که جهان به سرعت در حال دگرگون شدن است در نتیجه معلمان نیز باید مانند سایر گروه‌های حرفه‌ای با این واقعیت رو به رو شوند که آموزش-های اولیه آنان در جهان امروز چندان مفید نخواهد بود و آنان باید در تمام عمر خود دانش خود را روزآمد کنند (خروشی، نصر، میرشاه جعفری و موسی‌پور، ۱۳۹۶؛ فرزانه، واعظی، مرادی و مالکی پور، ۱۳۹۳). موفق نبودن و عدم کارایی معلم، موجب خستگی او در کلاس، بروز مشکلات بعدی و در نهایت نارضایتی معلم می‌شود. این امر ناشی از عواملی است که از جمله (نداشتن طرح درس، نگرش منفی به شغل تدریس، مشکلات شخصی و مشکلات مادی و مشکلات جسمی و استفاده از یک روش تدریس یکنواخت مانند روش تدریس سخنرانی، عدم آشنایی و استفاده از وسایل کمک آموزشی در کلاس) به صلاحیت‌های معلم مربوط می‌شود (فرزانه، پورکریمی و عزتی، ۱۳۹۴). نداشتن صلاحیت‌های اولیه و کمبود صلاحیت‌ها و مهارت‌های لازم و به روز، موجب کاهش اعتماد به نفس، کمی انرژی و علاقه، ضعف حافظه و سایر عوامل ناشی از آن (افسردگی و فشار روانی، خشم، پرخاشگری، بی‌زاری از کار و ...) همگی موجب کاهش صبر و بردباری، ظرافت در کار، کمی تسلط بر کار و افت بازده می‌گردد که طبعاً نارضایتی شغلی را به وجود می‌آورد و علاوه بر به خطر انداختن بهداشت روانی فرد بر مسئولیت شغلی خطیر وی به‌عنوان معلم و انسان‌ساز خلل وارد می‌کند (فرزانه و همکاران، ۱۳۹۳).

انتخاب و جذب دانشجو معلمان فاقد صلاحیت‌های حرفه‌ای لازم، آسیب‌هایی را از جمله: نداشتن سیاست‌های اصولی برای حفظ، نگهداری و ارتقای کیفی و شغلی در آموزش و پرورش، گزینش و جذب نیروهای با بنیه علمی و تخصصی

اولیه الگوی پیشنهادی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان برآورد گردد و در راستای آن، الگوی صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو معلمان ترسیم شود.

ابزار پژوهش

۱. **مصاحبه نیمه ساختار یافته:** مصاحبه یکی از ابزارهای جمع آوری داده‌ها در پژوهش‌های کیفی و آمیخته است. این ابزار امکان تماس با مصاحبه‌شونده را فراهم می‌کند و با کمک آن می‌توان به ارزیابی عمیق‌تر از ادراک‌ها و نگرش‌ها، علایق و آرزوهای مصاحبه‌شونده پی برد. در این تحقیق از روش مصاحبه که مختص روش‌های تحقیق کیفی است برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

روش اجرای پژوهش

در بخش کیفی از مصاحبه نیمه ساختاریافته به‌عنوان گردآوری داده‌های بخش کیفی تحقیق استفاده می‌شود. برای این منظور مراحل زیر طی می‌گردد:

۱. یک هفته قبل از برگزاری گروه کانونی، طرح پیشنهادی تحقیق (پروپوزال) و خلاصه‌ای از پیشینه‌ی نظری و تجربی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان برای اعضای گروه ارسال می‌شود؛

۲. در روز برگزاری جلسه، ابتدا محورهای بحث (صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان) برای اعضا تشریح و سپس، از آن‌ها خواسته می‌شود تا نظرهای خود را بیان کنند.

۳. برای گردآوری داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه، ابتدا فرم مصاحبه طراحی می‌شود. برای ثبت دیدگاه‌های افراد یادداشت‌برداری و ضبط مکالمات انجام می‌شود.

۴. بعد از گردآوری داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه، فرایند تحلیل و تلخیص داده‌های کیفی آغاز می‌گردد. این داده‌ها با توجه به موضوع تحقیق تلخیص و کدگذاری می‌شوند. در نتیجه کدگذاری و حذف داده‌های تکراری و تلخیص نهایی داده‌ها، مقوله‌های مهم شناسایی و استخراج می‌گردند و سپس، مقوله‌هایی که به‌طور هدفمند بیانگر یک مقوله کلی‌تر می‌باشند، شناسایی و در کنار هم قرار داده می‌شوند و برای آن‌ها یک عنوان کلی که می‌تواند شامل همه آن‌ها باشد، تعیین و نام‌گذاری می‌شود. در پایان، تعدادی مقوله اصلی که بیانگر مؤلفه‌های اصلی صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو معلمان هستند، شناسایی و استخراج می‌شوند.

لذا، به‌کارگیری معلمان اثربخش و استفاده بهینه از توانمندی‌های آنان نیازمند تربیت و آموزش، همچنین افزایش بهره‌وری آن‌ها در طی سال‌های تدریس است. معلمان، مجریان طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی هستند و باید متناسب با توانمندی‌ها، صلاحیت‌ها و شایستگی‌های آنان در هر رشته درسی و شناخت موانع، راهکارهایی کاربردی ارائه نمود. تشکیل گروه‌های آموزشی، آموزش غیررسمی و شرکت دادن معلمان در برنامه‌ریزی‌های آموزشی با توجه به ابعاد مهارتی، نگرشی و دانشی از سوی مسئولان، در اثربخشی آنان اهمیت دارد. معلم می‌تواند دارای ارزش‌های علمی و صلاحیت‌های فردی باشد اما گاهی به دلیل عدم وجود عوامل مناسب محیطی و انگیزشی، توانایی سازندگی و یا شایستگی‌های لازم را برای تدریس ندارد. درک معلم از محیط، متأثر از نگرش اوست، با تغییر در نگرش‌ها، می‌توان حتی تغییرات مهارتی مطلوب را نیز پدید آورد. برای پیشگیری از بروز مشکلات به هنگام تدریس، باید صلاحیت‌ها و ویژگی‌های حرفه‌ای معلم در نظر گرفته شود. استفاده از تجربه‌های معلمان، انتقال این تجربیات و انجام آموزش‌های غیررسمی از بروز اشتباهات در گزینش و جذب معلمان جلوگیری می‌نماید (معصوم‌پور، ۱۳۹۲)؛ بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر، ابعاد و مؤلفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان استان بوشهر کدام‌اند؟

روش پژوهش

در این تحقیق با استفاده از روش کیفی مهم‌ترین مؤلفه‌های صلاحیت حرفه‌ای دانشجو معلمان استخراج و پیشنهاد می‌گردد. روش پژوهش، روش داده بنیاد است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات بخش کیفی، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود که داده‌ها، در سه مرحله باز، محوری و انتخابی کدگذاری شدند. جامعه آماری در بخش کیفی مصاحبه با حداقل ۲۵ استاد دانشگاه فرهنگیان استان بوشهر است. در بخش کیفی با استناد به منابع علمی، مقالات و کتب منتشر شده با روش تحلیل محتوای قیاسی، ابعاد و مؤلفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو معلمان شناسایی می‌گردد و بر آن اساس مؤلفه‌های اصلی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان طراحی و پیشنهاد می‌شود. علاوه بر این بر اساس آن پرسش‌های مصاحبه نیمه ساختاریافته طراحی و اجرا می‌شود تا اعتبار

به دنبال یافتن مفهومی از میان انبوه اطلاعات به دست آمده است و دغدغه اصلی برای به دست آوردن واژه یا اصطلاحی است که توسط مصاحبه شونده مورد تأکید قرار گرفته است؛ و در این مرحله روی برخی از عبارات که پی در پی تأکید شده، محقق اقدام به تفکیک عبارت می‌نماید و مرحله آغازین کدگذاری شروع می‌گردد. در مرحله کدگذاری باز نیاز به ذهنی قوی و پر از پردازشگر هست و محقق بدون توسل به ایده‌های قبلی خود و تنها بر مبنای پردازش ذهن و تحلیل اندیشه فکری محقق، بایستی کدگذاری صورت پذیرد که این رویکرد به صورت جدی توسط محقق مدنظر قرار گرفته است. علاوه بر این نظر به اینکه در پردازش اطلاعات اولیه همواره محقق با دو مشکل اساسی شامل زمان بر بودن مطالعه متون و همچنین دچار سردرگمی نشانی از خستگی و طولانی‌تر شدن مصاحبه‌ها روبرو می‌شد سریعاً نکات کلیدی متن را مشخص و انباشت اطلاعات پرهیز نمود و از این طریق مدیریت بر اطلاعات و زمان برای پرهیز از لوث شدن تحلیل اعمال گردیده است. پس از استخراج متن مصاحبه خبرگان و مطالعه دقیق آن نکات کلیدی هر متن مشخص گردید و به عنوان نکات کلیدی کدگذاری گردید و بر اساس این نکات کلیدی کدگذاری باز استخراج گردید. پس از مشخص شدن نکات کلیدی و کدگذاری باز، آنگاه کدهای احصاء شده تحلیل و آن دسته از کدهای که به موضوعی مشترک اشعار یا اشاره داشته‌اند، گروه بندی شده و مطابق این فرایند محور مشترک نمایان می‌گردد که این محور مشترک تحت عنوان مفهوم خود را متجلی می‌سازد. این فرایند برای شکل‌گیری مقوله ادامه یافته، به گونه‌ای که مفاهیم مشترک در کنار هم که مبنای موضوعی دارند شکل‌گیری مقوله را متجلی می‌سازند.

مفاهیم صلاحیت حرفه‌ای از دانش و مهارت و نگرش حرفه‌ای تشکیل شده‌اند. البته هرکدام مشتمل بر زیر مؤلفه‌های می‌باشند که در شکل ۱ ترسیم شده است.

یافته‌ها

در پژوهش‌های علمی، تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از نمونه‌های آماری، مرحله مهمی از تحقیق تلقی می‌شود زیرا محقق در این مرحله به نتیجه نهایی خواهد رسید. در بخش اول این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده می‌شود. تحلیل محتوا یکی از روش‌های تجزیه و تحلیل مطالعات کیفی است که به وسیله آن داده‌ها خلاصه، توصیف و تفسیر و برای تعیین درون‌مایه‌های غالب و اصلی استفاده می‌شوند که روشی مناسب برای بررسی تجارب و نگرش افراد به موضوعی خاص است. گرانهیم و لاندمن^۱ برای تجزیه و تحلیل محتوای داده‌های کیفی مراحل زیر را پیشنهاد داده‌اند (قاضی طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ بلافاصله بعد از هر مصاحبه محتوای آن‌ها با دقت و خط خوانا بازنویسی می‌شود. بعد از پیاده کردن مصاحبه‌ها مطالب چندین بار خوانده می‌شود تا فهم کلی از گفته‌های کارشناسان در خصوص هدف پژوهش به عمل آید. سپس، واحدهای معنادار یا کدهای اولیه استخراج و بر اساس شباهت‌ها کدها در دسته‌های همگون طبقه‌بندی می‌گردد. سعی می‌گردد درون طبقات بیشترین همگونی و بین طبقات بیشترین ناهمگونی وجود داشته باشد و هیچ داده‌ای در درون دو طبقه قرار نگیرد. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، از روش تحلیل محتوای قیاسی با کمک نرم‌افزار Maxqda12 استفاده می‌گردد.

طراحی مدل صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو-معلمان

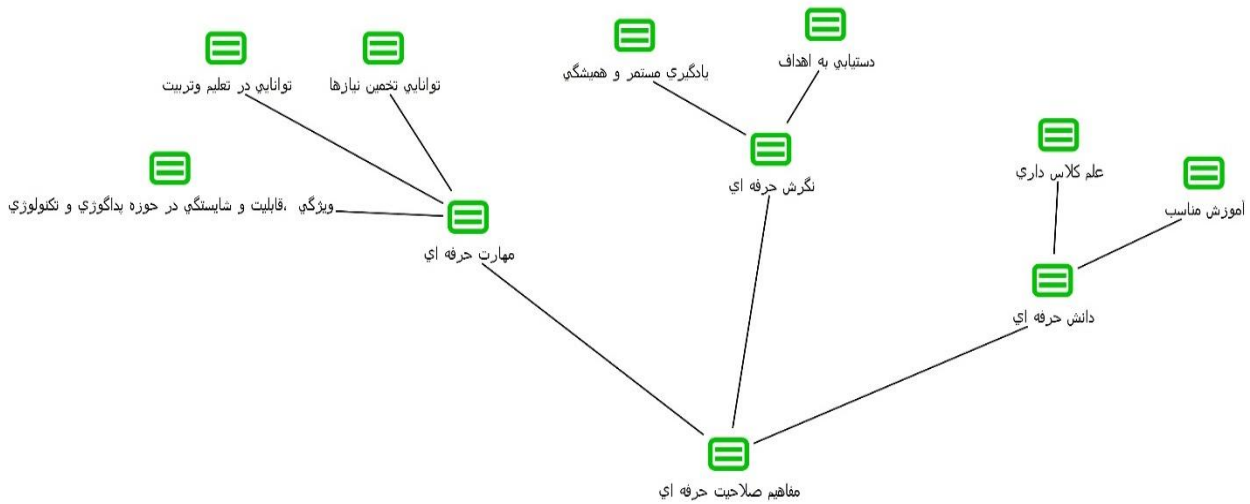
به طور کلی مطابق نظر استراوس و کوربین در مرحله مطالعه متن مصاحبه‌ها و ابتدای کدگذاری مطابق اصول نظریه برخاسته از داده‌های شکلی از تحلیل محتوا است که

ابعاد مدل صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو-معلمان

بعد اول: مفاهیم صلاحیت حرفه‌ای

بر اساس کدگذاری‌های انجام شده روی متن مصاحبه‌ها، بعد اول الگوی صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو-معلمان،

1. Graneheim & Lundman

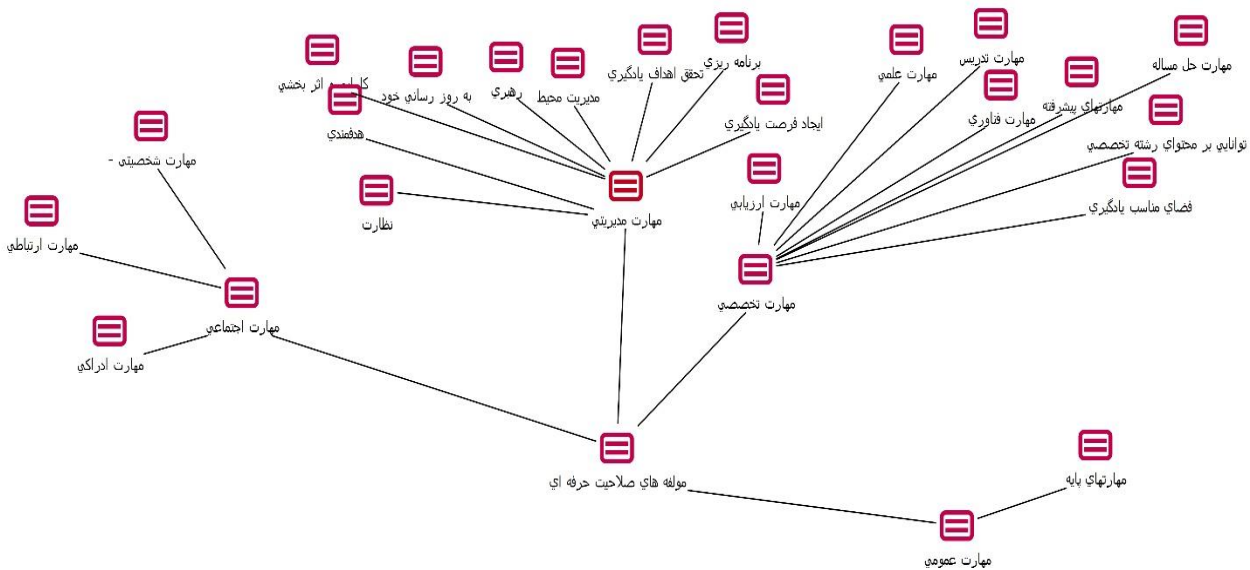


شکل ۱ بعد اول: مفاهیم صلاحیت حرفه‌ای

مفاهیم صلاحیت حرفه‌ای از مهارت اجتماعی، مدیریتی تخصصی و عمومی تشکیل شده‌اند. البته هر کدام مشتمل بر زیر مؤلفه‌های می‌باشند که در شکل ۲ ترسیم شده است.

بعد دوم: مؤلفه‌های صلاحیت حرفه‌ای

بر اساس کدگذاری‌های انجام شده روی متن مصاحبه‌ها، بعد دوم الگوی صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو-معلمان،

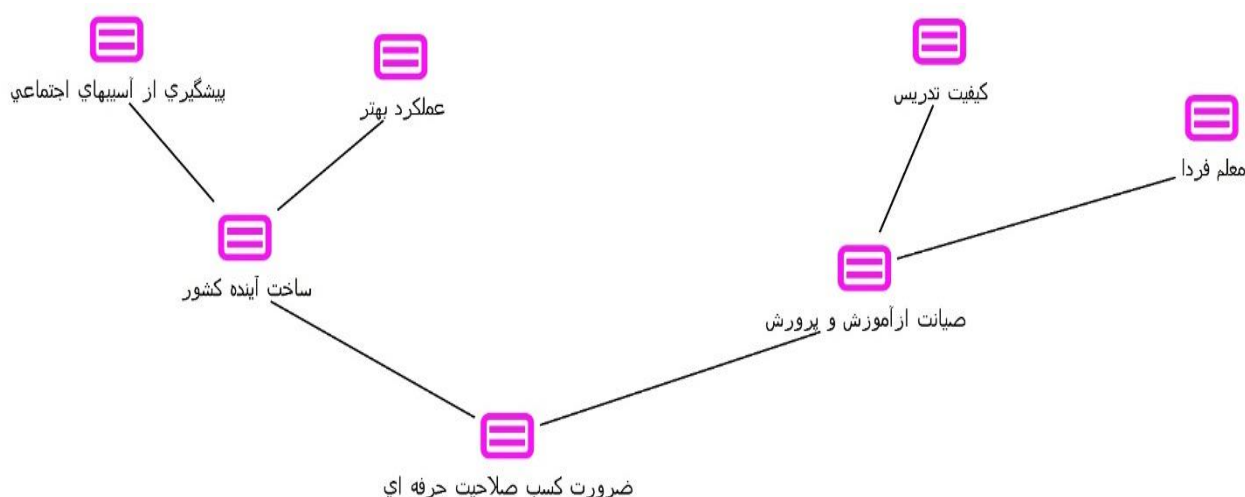


شکل ۲ بعد دوم: مؤلفه‌های صلاحیت حرفه‌ای

ضرورت کسب صلاحیت حرفه‌ای از ساخت آینده کشور و صیانت آ آموزش و پرورش تشکیل شده‌اند. البته هر کدام مشتمل بر زیر مؤلفه‌های می‌باشند که در شکل ۳ ترسیم شده است.

بعد سوم: ضرورت کسب صلاحیت حرفه‌ای

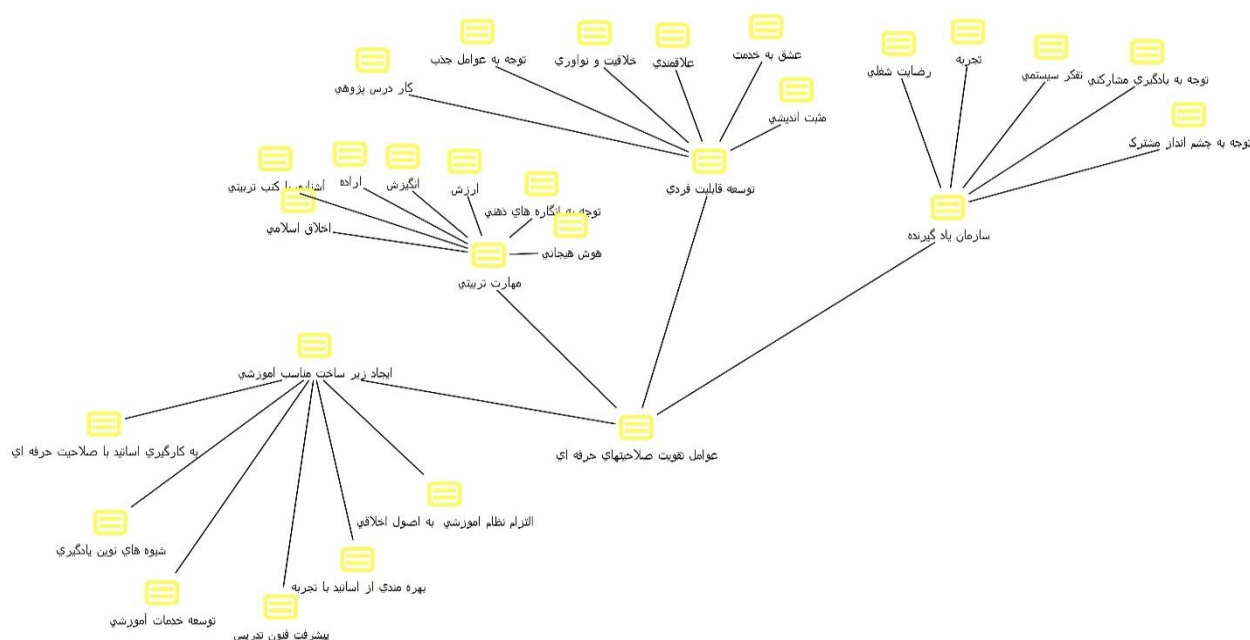
بر اساس کدگذاری‌های انجام شده روی متن مصاحبه‌ها، بعد سوم الگوی صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو-معلمان،



شکل ۳ بعد سوم: ضرورت کسب صلاحیت حرفه‌ای

عوامل تقویت صلاحیت حرفه‌ای ایجاد زیرساخت مناسب آموزشی، مهارت تربیتی، توسعه قابلیت فردی و سازمان‌یادگیرنده تشکیل شده‌اند. البته هر کدام مشتمل بر زیر مؤلفه‌های می‌باشند که در شکل ۴ ترسیم شده است.

بعد چهارم: عوامل تقویت صلاحیت حرفه‌ای
بر اساس کدگذاری‌های انجام شده روی متن مصاحبه‌ها، بعد چهارم الگوی صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو-معلمان،

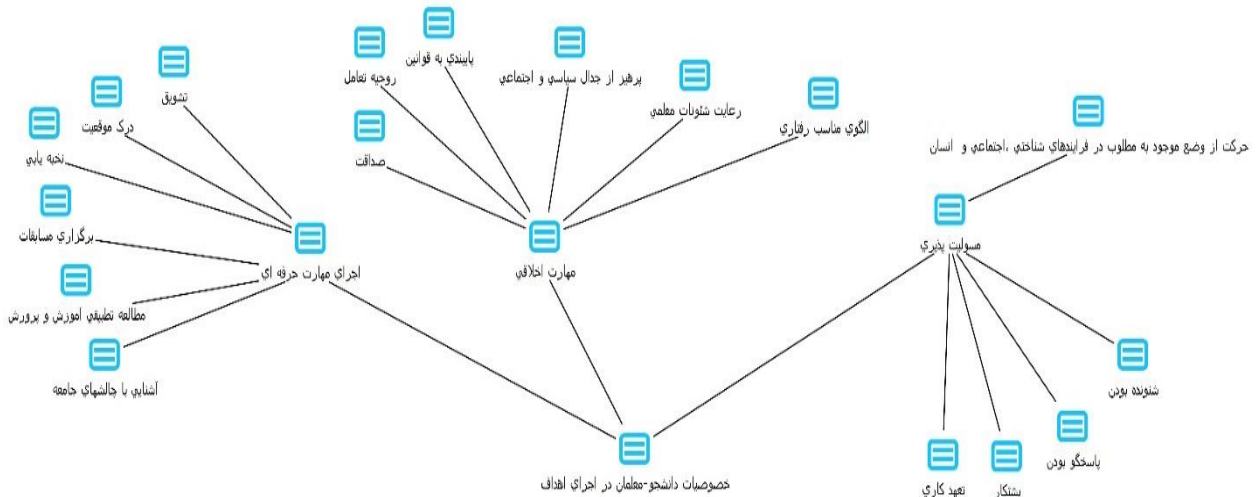


شکل ۴ بعد چهارم: عوامل تقویت صلاحیت حرفه‌ای

خصوصیات دانشجو-معلمان در اجرای اهداف از اجرای مهارت حرفه‌ای، مهارت اخلاقی و مسئولیت‌پذیری تشکیل شده‌اند. البته هرکدام مشتمل بر زیر مؤلفه‌های می‌باشند که در شکل ۵ ترسیم شده است.

بعد پنجم: خصوصیات دانشجو-معلمان در اجرای اهداف

بر اساس کدگذاری‌های انجام شده روی متن مصاحبه‌ها، بعد پنجم الگوی صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو-معلمان،

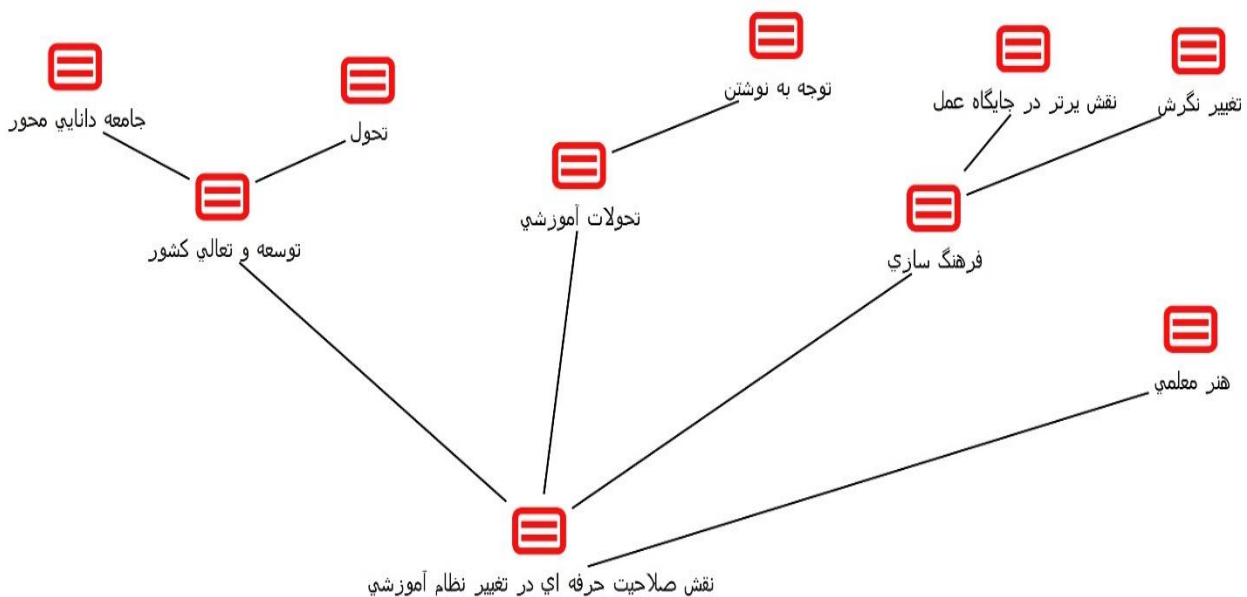


شکل ۵ بعد پنجم: خصوصیات دانشجو-معلمان در اجرای اهداف

نقش صلاحیت حرفه‌ای در تغییر نظام آموزشی از توسعه و تعالی کشور، تحولات آموزشی، فرهنگ‌سازی و هنر معلمی تشکیل شده‌اند. البته هرکدام مشتمل بر زیر مؤلفه‌های می‌باشند که در شکل ۶ ترسیم شده است.

بعد ششم: نقش صلاحیت حرفه‌ای در تغییر نظام آموزشی

بر اساس کدگذاری‌های انجام شده روی متن مصاحبه‌ها، بعد ششم الگوی صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو-معلمان،

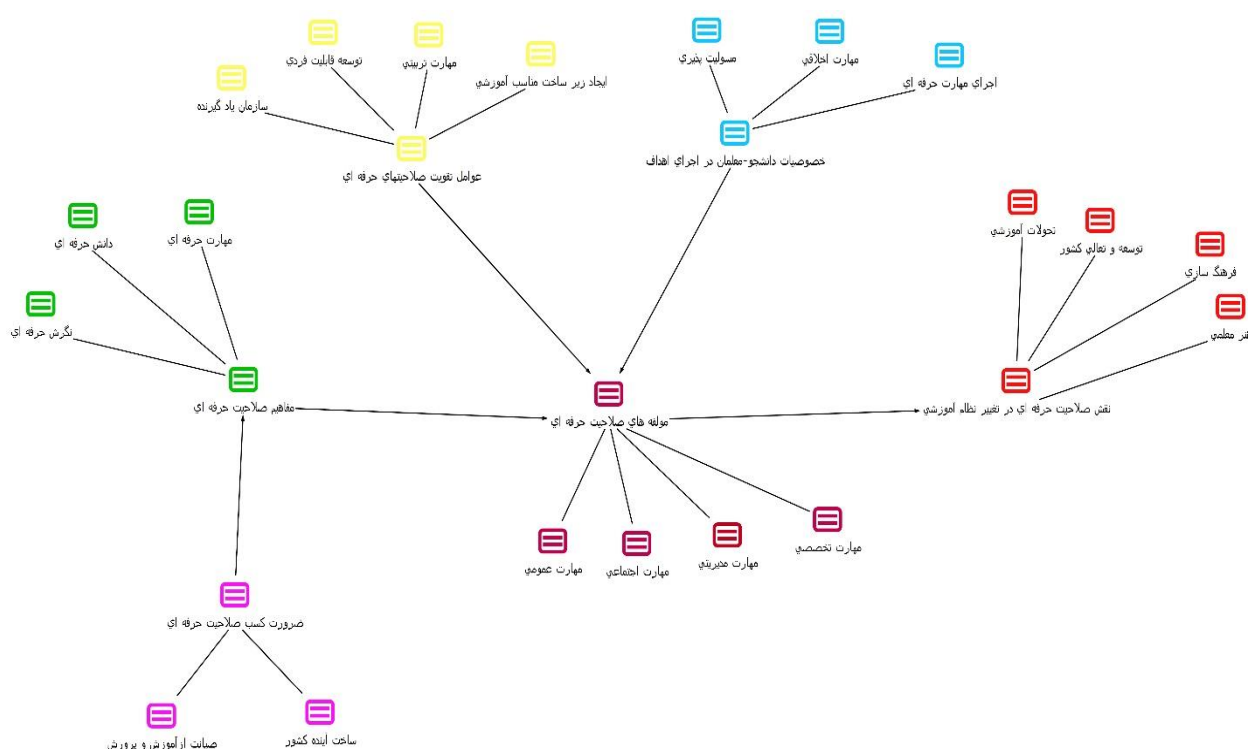


شکل ۶ بعد ششم: نقش صلاحیت حرفه‌ای در تغییر نظام آموزشی

مدل پدیده اصلی: صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو-معلمان

می‌گیرند. مطابق شکل ۷ الگوی صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو-معلمان دربرگیرنده شش مقوله اصلی شامل مفاهیم صلاحیت حرفه‌ای، مؤلفه‌های صلاحیت حرفه‌ای، عوامل تقویت صلاحیت حرفه‌ای، ضرورت کسب صلاحیت حرفه‌ای، خصوصیات دانشجو-معلمان در اجرای اهداف و نقش صلاحیت حرفه‌ای در تغییر نظام آموزشی است.

در این تحقیق پدیده اصلی فرایندی است که از روابط بین سر مقوله اصلی حاصل گردیده است و مقوله‌ها به عنوان مفاهیمی که قبلاً تعاریف و توضیح آن‌ها ذکر شده است پدیده محوری تحقیق را ترسیم می‌نمایند. واضح و روشن است که هر مقوله توسط تعدادی مشخصه با ویژگی پشتیبانی می‌شود که در مراحل بعدی مورد پردازش قرار



شکل ۷ الگوی صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو-معلمان

حرفه‌ای قدرت بالایی در پیش‌بینی اثربخشی معلمان دارند. پژوهش عسکری‌متین و کیانی (۱۳۹۷)، مؤلفه‌های الگو صلاحیت حرفه‌ای معلمی را برنامه‌ریزی و آماده‌سازی برای آموزش، برنامه‌ریزی و طراحی برای یادگیری؛ مدیریت پیرامون و محیط یادگیری؛ آموزش اثربخش؛ مسئولیت سازمانی و توسعه حرفه‌ای؛ سرمایه اجتماعی و فعالیت فرهنگی و معنویت معرفی می‌کند. در نتایج پژوهش فرزانه و همکاران (۱۳۹۴)، سه مؤلفه صلاحیت فکری، صلاحیت رفتاری و صلاحیت اخلاق حرفه‌ای سهم معناداری در

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج نهایی الگوی صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو-معلمان دربرگیرنده شش مقوله اصلی شامل مفاهیم صلاحیت حرفه‌ای، مؤلفه‌های صلاحیت حرفه‌ای، عوامل تقویت صلاحیت حرفه‌ای، ضرورت کسب صلاحیت حرفه‌ای، خصوصیات دانشجو-معلمان در اجرای اهداف و نقش صلاحیت حرفه‌ای در تغییر نظام آموزشی است؛ که با تحقیقات بررسی شده هماهنگ است. در نتایج پژوهش سلیمی و محمدیان شریف (۱۳۹۷)، مؤلفه‌های صلاحیت‌های

وسیع‌تری از شغل معلمان است که بیانگر متخصص بودن معلمان در امر آموزش و یادگیری دانش‌آموزان است و معلمان بایستی در توسعه آموزش‌های جدید، سازماندهی آموزش و یادگیری و پشتیبانی و آموزش همکاران مشارکت داشته باشند. همچنین، افزایش حقوق و دستمزد، فرصت‌هایی برای معلم فراهم می‌سازد تا نقش‌های جدید را بپذیرند. نتایج پژوهش تانگ و همکاران (۲۰۱۹)، بیانگر آن است که آموزش عالی بایستی در زمینه تسهیل پیشرفت دانشجو معلمان برای مقابله با چالش‌های کاری در زمینه تدریس، دوره‌های آموزشی متناسب با دانش نظری ارائه دهد. ضرورت کسب صلاحیت حرفه‌ای و اهمیت آن در ارتقای نظام تعلیم و تربیت مورد توجه مدیران، اساتید و دانشجو معلمان قرار بگیرد. در پایان پیشنهاد می‌گردد:

✓ مفاهیم صلاحیت حرفه‌ای، در برنامه‌های

آموزشی و فرهنگی دانشگاه به صورت کامل پوشش داده شود.

✓ خصوصیات دانشجو-معلمان در اجرای اهداف

نظام آموزشی مورد بازنگری و اصلاح قرار بگیرد.

✓ عوامل تقویت صلاحیت حرفه‌ای مورد توجه و

شرایط کاربردی شدن این عوامل فراهم شود.

✓ نقش صلاحیت حرفه‌ای در تغییر نظام آموزشی

بسیار تعیین‌کننده و غیرقابل جایگزین است. از این رو،

کسب صلاحیت حرفه‌ای می‌تواند عملکرد نظام آموزشی را به‌گونه‌ای قابل توجه ارتقا دهد.

سپاسگزاری

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از تمامی متخصصان و صاحب‌نظران آموزشی که با استقبال و بردباری، در روند گردآوری داده‌ها و نتایج همکاری نمودند، اعلام می‌دارند.

تعارض منافع

در این پژوهش هیچگونه تعارض منافی وجود نداشت.

منابع

پورکریمی، جواد، فرزانه، محمد، نوروزی، میترا، (۱۳۹۵)، واکاوی صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران مدارس: یافته‌های یک پژوهش ترکیبی، دو فصلنامه مدیریت مدرسه، ۴(۱): ۲۵-۱.

پیش‌بینی توانمندی روان‌شناختی دبیران دارند. نتایج پژوهش سبحانی‌نژاد و نژدان (۱۳۹۴)، نشان داد که مجموعه صلاحیت‌های مورد نیاز مربیان و استادکاران را می‌توان در سه بعد صلاحیت‌های شخصی، صلاحیت‌های تخصصی- حرفه‌ای (با مؤلفه‌های دانش، بینش و توانش یا مهارت) و صلاحیت‌های اخلاقی- اعتقادی (با مؤلفه‌های وجدان کاری، توسعه توانمندی، اعتدال اجتماعی، روابط اجتماعی، انضباط اداری و ایمان درونی) طبقه‌بندی کرد. نتایج تحقیق مطهری‌نژاد و فاتحی‌چنار (۱۳۹۶) نشان داد که بین شایستگی‌های شناختی، عاطفی و مهارتی دبیران ریاضی و پیشرفت تحصیلی ریاضی دانش‌آموزان رابطه مثبت وجود دارد و میزان این رابطه در مدارس خاص بیشتر است. شایستگی‌های مهارتی دبیران در مدارس عادی و شایستگی‌های عاطفی دبیران در مدارس خاص پیشرفت تحصیلی ریاضی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، بر اهمیت شایستگی‌های حرفه‌ای در فرآیند آموزش، جذب و ارزیابی عملکرد دبیران ریاضی تأکید شده است. یافته‌های پژوهش غنی‌زاده گرایلی و همکاران (۱۳۹۶)، نشان داد شایستگی حرفه‌ای و ابعاد آن شامل شایستگی‌های شناختی مهارتی، مدیریتی و نگرشی- رفتاری بر بهسازی معلمان در جامعه تأثیر مثبت و معنادار دارند. نتایج پژوهش پورکریمی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد، صلاحیت حرفه‌ای در تعهد حرفه‌ای و عملکرد شغلی و تعهد حرفه‌ای نیز در عملکرد شغلی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. همچنین، نقش میانجی تعهد حرفه‌ای در رابطه-ی صلاحیت حرفه‌ای و عملکرد شغلی تأیید شد. نتایج پژوهش لی (۲۰۱۹)، نشان داد پروژه یادگیری تجربی بستر یادگیری مفیدی را فراهم می‌کند تا معلمان تازه کار بتوانند به مربیان مؤثر تبدیل شوند، برنامه‌ریزی کنند، آموزش دهند، تأمل و اظهارنظر کنند. تجربه یادگیری فاصله بین آنچه دانشجو معلمان در دانشگاه آموخته‌اند و آنچه در هنگام شروع شغل خود به آن‌ها نیاز دارند را پر می‌کند. همچنین، یک دوره یادگیری تجربی می‌تواند در برنامه آموزش اولیه معلم گنجانده شود، به‌طوری که آن‌ها بتوانند فراتر از یادگیری برای تقویت و توسعه صلاحیت حرفه‌ای خود پرورش یابند. نتایج پژوهش اسنوک و همکاران (۲۰۱۹)، نشان داد برای تقویت حرفه‌ای معلم، نیاز به درک

- خروشی، پوران، محمدی وندیشی، زهره، (۱۳۹۵)، بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای دانشجو معلمان از دیدگاه مدرسان و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان اصفهان، فصلنامه علمی تخصصی توسعه حرفه‌ای معلم، ۲(۲): ۱-۱۳.
- خروشی، پوران، نصر، احمدرضا، میرشاه جعفری، سید ابراهیم، موسی پور، نعمت‌الله، (۱۳۹۶)، بررسی رویکرد تربیت معلم شایسته براساس اسناد تحولی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، راهبرد فرهنگ، ۳۷(۲): ۱۶۳-۱۸۶.
- دانش‌پژوه، زهرا، فرزاد، ولی‌الله، (۱۳۸۵)، ارزشیابی مهارت‌های حرفه‌ای معلمان دوره ابتدایی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۸(۵): ۱۳۵-۱۶۹.
- دیبایی صابر، محسن، عباسی، عفت، فتحی و اجارگاه، کوروش، صفایی موحد، سعید، (۱۳۹۵)، تبیین مؤلفه‌های شایستگی حرفه‌ای معلمان و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران، دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های آموزش و یادگیری (دانشور رفتار)، ۱۳(۲): ۱۰۹-۱۲۳.
- سبحانی‌نژاد، مهدی، تژدان، امیررضا، (۱۳۹۴)، تعیین چارچوب صلاحیت‌های مورد نیاز مربیان و استادکاران (معلمان آموزش فنی و حرفه‌ای) در هنرستان‌های فنی و کاردانش، فصلنامه مهارت آموزی، ۴(۱۳): ۷-۴۵.
- سلیمی، جمال، محمدیان شریف، کوستان، (۱۳۹۷)، رابطه ویژگی‌های روانشناختی (شخصیت و وظیفه‌شناسی) و مؤلفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای با اثربخشی معلمان: رویکرد معادلات ساختاری، مجله‌ی روانشناسی مدرسه، ۷(۲): ۷۲-۹۴.
- عسکری‌متین، سجده، کیانی، غلامرضا، (۱۳۹۷)، الگوی معیار صلاحیت حرفه‌ای معلمی در تراز جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۳۴: ۹-۳۰.
- غنی‌زاده گرایلی، مهدی، جعفری، پرپوش، قورچیان، نادر قلی، (۱۳۹۶)، تأثیر شایستگی‌های حرفه‌ای بر بهسازی معلمان مقطع متوسطه استان تهران، مدیریت بر آموزش سازمان‌ها، ۶(۱): ۵۱-۷۲.
- فرزانه، محمد، پور کریمی، جواد، عزتی، میترا، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه‌ی صلاحیت‌های حرفه‌ای با توانمندی
- روانشناختی دبیران دوره متوسطه شهرستان شیروان، فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۲(۸): ۶۹-۸۸.
- فرزانه، محمد، واعظی، مظفرالدین، مرادی، کیوان، ملکی-پور، احمد، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه صلاحیت‌های حرفه‌ای با دل‌بستگی شغلی معلمان مقطع متوسطه شهرستان شیروان، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ۸(۲): ۱۱۵-۱۳۷.
- قاضی طباطبایی، محمود، یوسفی افراشته، صیامی، لیلا، (۱۳۹۲)، بررسی رویکردهای یادگیری و چگونگی گرایش به آنها در دانشجویان: کاربردی از پژوهش آمیخته، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۷۰: ۲۷-۵۰.
- کریمی، فریبا، (۱۳۸۷)، مطالعه صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان دوره ابتدایی، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ۲(۴): ۱۵۱-۱۶۶.
- مطهری‌نژاد، حسین، فاتحی‌چنار، فرداد، (۱۳۹۶)، نقش شایستگی‌های حرفه‌ای دبیران ریاضی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی ریاضی دانش آموزان مدارس عادی و خاص، نشریه علمی-پژوهشی آموزش و ارزشیابی، ۱۰(۳۸): ۵۱-۷۷.
- معصوم‌پور، آریتا، (۱۳۹۲)، تربیت معلم و ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان شیمی، هشتمین سمینار آموزش شیمی ایران، ۶ و ۷ شهریورماه ۱۳۹۲، دانشکده شیمی دانشگاه سمنان.
- Aseltine, J. M., Faryniarz, J. O., & Rigazio-DiGilio, A. J. (2006). Supervision for learning: A performance-based approach to teacher development and school improvement. ASCD.
- Balakrishnan, S. (2005). Competency based education system. In National Symposium on Engineering Education (pp. 90-96).
- Danielson, C., & McGreal, T. L. (2000). Teacher evaluation to enhance professional practice. Ascd.
- Lee, J. F. (2019). Enhancing preservice teachers' professional competence through experiential learning. Journal of Education for Teaching, 1-5.
- Mathers, C., & Oliva, M. (2008). Improving Instruction through Effective Teacher

- Snoek, M., Dengerink, J., & de Wit, B. (2019). Reframing the teacher profession as a dynamic multifaceted profession: A wider perspective on teacher quality and teacher competence frameworks. *European Journal of Education*, 54(3), 413-425.
- Tang, S. Y., Wong, A. K., Li, D. D., & Cheng, M. M. (2019). Re-conceptualising professional competence development of student teachers in initial teacher education. *Research Papers in Education*, 1-24.
- Evaluation: Options for States and Districts. TQ Research & Policy Brief. National Comprehensive Center for Teacher Quality.
- Shinkfield, A. J., & Stufflebeam, D. L. (2012). *Teacher evaluation: Guide to effective practice* (Vol. 41). Springer Science & Business Media.
- Singla, P. K., Rastogi, K. M., & Jain, M. S. R. (2005). Developing competency-based curriculum for technical programmes. *Financial Support*, 29.